

نگاهی به قاچاق دختران در کشورهای عربی

کابوس فقر، رویای برابری!

◆ امیر آریا



قاچاق دختران ایرانی به کشورهای عربی موضوعی است که در دو سال پیش به جنجال خبری تبدیل شد و رییس جمهور وقت در این خصوص موضع گیری کرد. اگر چه از آن زمان تاکنون چندین باند فعال در این زمینه متلاشی شده اند، اما بار دیگر برخی جریان های خبری به این موضوع دامن می زنند و تعدادی از سایت ها اخباری در این زمینه منتشر می کنند. تلاش خبری بیش از آن که واقعیت داشته باشد بزرگ نمایی و با اهداف خاصی دنبال می گردد. ماهنامه گزارش با هدف نشان دادن این تلاش رسانه ای برای بزرگ نمایی موضوع از یک سو و همچنین توجه بیشتر مسئولان به ابعاد مختلف این معضل اجتماعی از سوی دیگر این گزارش را درج می کند.

متأسفانه طی چند ماه اخیر گزارش های تکان دهنده ای از فرار دختران ایرانی به کشورهای عربی و خرید و فروش آنها توسط سایت های خبری و اطلاع رسانی منتشر شد که توجه زیادی به آنها نشد، حتی سال گذشته یک خبرگزاری داخلی گزارشی از حراج دختران ایرانی در امارات متحده عربی منتشر کرد که با تکذیب مسوولان کشور مواجه شد. در ایام اخیر سایت "عارف نیوز" با مخابره گزارشی اعلام کرد که دختران ایرانی بالاترین قیمت و خواهان را در بازار قاچاق دختران و زنان در امارات دارند. طبق این گزارش شیوخ عرب بیشترین پول را برای دختران ایرانی پرداخت می کنند و علاقه دارند این دختران بین ۱۴ تا ۲۰ سال سن داشته باشند. بعد از دختران ایرانی ظاهراً دختران لبنانی و برخی کشورهای عربی آفریقایی قرار دارند و از زنان کشورهای آسیای مرکزی و اروپای شرقی بیشتر در دیسکوها و مراکز فحشهای مخفی در هتل ها و کاباره های دبی استفاده می شود. اگر حتی بخش اندکی از این گزارش ها واقعیت

اقتصادی و اجتماعی به حد ارضای نیازهای مادی و معنوی خود نرسیده اند، برای رفع این مشکل متأسفانه راهی خیابان ها می شوند تا از آن طریق نیازهای مادی خود را تامین کنند. برخی دیگر نیز آنقدر رویاهای دور و درازی در سر دارند که خواسته یا ناخواسته فریب شبکه های داخلی و خارجی را خورده و در بازار جنسی کشورهای عربی گم می شوند.



اگر بخشی از گزارش ها در مورد قاچاق دختران واقعیت داشته باشد، باید اذعان کرد شیوه برخورد بسیار ضعیف است

گسترش فقر و اوضاع نابسامان اقتصادی در کشورهای روبه توسعه گاهی اوقات آنقدر تلخ و گزنده است که انسان را به هر کاری وا می دارد. در این کشورها که متأسفانه ایران نیز در آن قرار دارد، شدت فقر در برخی نقاط به حدی است که بسیاری از کودکان، دختران و پسران در حال رشد به دلیل فقر مطلق غذایی دچار ضعف های شدید جسمی هستند و برای پر کردن شکم خود و تنازع بقاء چاره ای جز "زنده ماندن ندارند". در این میان برخی از افراد با خویشتنداری و حفظ آبرو در جدالی دائمی با گرسنگی و فقر، آن را تحمل می کنند، برخی بزه کار می شوند، تعدادی روی به سرقت می آورند، بعضی دست به خودکشی می زنند و سرانجام شماری از آنها با زیر پا گذاشتن عزت و شرف خود، تنها راه نجات را در تن فروشی جستجو می کنند. برای گروه اخیر که عمدتاً دختران جوان و زنان شکست خورده را شامل می شود، تن دادن به این کار یعنی راهی از کابوس فقر و رسیدن به آمال و آرزوهای دور و دراز! دختران و زنان بزه کار که بنا به دلایل گوناگون



ماهانه ۴۵ دختر ۱۶ تا ۲۵ سال در کراچی پاکستان توسط ثروتمندان خریداری می شوند

پس از گذشت سه برنامه توسعه و وجود عباراتی چون مبارزه با فقر، فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت در این برنامه‌ها که تنها در حد حرف و شعار باقی مانده امروز نیز فرصت‌ها همچنان از دست می‌رود و فقر روز به روز سایه شوم خود را می‌گستراند. این گزارش که قبل از انتخابات ریاست جمهوری منتشر شد، درآمد دهک‌های بالاتر در پایان سال ۸۳، نسبت به دهک‌های پایین جامعه را ۱۷ برابر اعلام کرد. چنین نسبتی از شکاف عمیق طبقاتی خبر می‌دهد که سیاست‌های شعار محور در دو دهه اخیر در جامعه ایجاد کرده است.

فریبرز رئیس دانا اقتصاددان تعداد فقرا را در ایران بیشتر از آمارهای رسمی می‌داند و معتقد است: آمارهای ارائه شده در زمینه درصد فقرا به هیچ وجه با واقعیت مطابقت ندارد. بیکاری، توزیع ناعادلانه درآمد، تعدیل ساختاری و سیاست‌های خصوصی سازی افراطی یکی دیگر از علل افزایش رشد فقر در جامعه است. با این حال، اما هنوز در کشور شعار فقرزدایی طرفداران زیادی دارد و حتی بخش زیادی از آرای احمدی نژاد در انتخابات امسال ناشی از محوریت شعار مبارزه با فقر به دست آمده است.

مجله اکونومیست چندی قبل در مقاله‌ای با اشاره به شعارهای رئیس جمهوری نوشت: اگر چه احمدی نژاد با شعار دولتی کردن اقتصاد، وارد کارزار انتخابات شد، اما وزیر اقتصاد او بر خصوصی کردن بیشتر تاکید دارد. از نگاه ناظران آگاه این مساله می‌توان پاشنه آشیل دولت باشد در آزمونی که پیش رو دارد.

مبارزه با فقر، ظلم و تبعیض و گسترش دایره عدالت خواهی در کشور که جز شعارهای دولت جدید محسوب می‌شود، بایستی جنبه عمل به خود گرفته و مردم را از تنگناهای اقتصادی و مشکلات معیشتی نجات دهد.

جوانان، ناگاهی و کم سوادی و پیروی از هواپوس شاید یکی از علل این معضل اجتماعی باشد، اما قطعاً با رفع این مشکلات و آموزش‌های لازم به جوانان و نیز مقابله جدی‌تر با قاچاقچیان انسان می‌توان جلوی این پدیده ناهنجار را گرفت.

پژوهشی که توسط انجمن دفاع از قربانیان خشونت انجام شده نشان می‌دهد قاچاق زنان و دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس، امارات متحده عربی، پاکستان و بطور محدود به کشورهای اروپایی و آسیایی رو به افزایش است. طبق این پژوهش ماهانه ۴۵ دختر بین ۱۶ تا ۲۵ سال در کراچی پاکستان توسط ثروتمندان خریداری می‌شوند.

قاچاق انسان در این کشورها در مراسمی که "حلقه" نام دارد، صورت می‌پذیرد.

گزارش این انجمن حاکی است: بیشتر دخترانی که در بازار پاکستان فروخته می‌شوند از خانواده‌های حاشیه‌نشین شهرها هستند که پدران معتادی دارند و به شغل‌های کاذب مشغولند. قاچاقچیان پس از خرید این دختران ابتدا آنها را به عنوان فرزند خوانده می‌پذیرند و پس از رسیدن به سن بلوغ از آنها برده‌کشی می‌کنند.

براساس این تحقیق دختران از طریق تأیید سطحی یکی از آشنایان دختر توسط خانواده پسران خواستگاری می‌شود. سپس شیربهای به خانواده عروس می‌دهند و به بهانه اینکه مراسم عروسی قرار است در شهرهای مرزی کشور برگزار شود، این دختران را از مرز خارج کرده و به پاکستان منتقل می‌کنند تا پس از چند روز اقامت در میان خانواده پسر، بهره‌کشی جنسی آنها آغاز شود.

به گفته کارشناسان و جامعه‌شناسان اگر این معضل با شناسایی زوایای مختلف آن و تهیه آمار لازم درباره بازار قاچاق همراه نباشد، موفقیت‌چندانی به دنبال نخواهد داشت. شناسایی عوامل داخلی و رابطان قاچاقچیان و برخورد قاطع با آنها می‌تواند جلوی رشد روز افزون این پدیده ناهنجار را بگیرد.

شکی نیست که تمایل برخی از افراد یاد شده یا به دام افتادن آنها توسط شبکه‌های بین‌المللی قاچاق انسان یکی از علل رشد این معضل است، اما ریشه‌یابی مساله و مقابله منطقی و غیرشعاری با موانع توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی نقش مهمی در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی دارد. یک خبرگزاری رسمی چند ماه پیش در گزارشی پیرامون گسترش خط فقر در کشور با اشاره به اینکه

داشته باشد، متأسفانه نحوه مقابله ما با پدیده قاچاق دختران و شناسایی و دستگیری عاملان آن بسیار ضعیف است، زیرا شناسایی و دستگیری رابطان قاچاقچیان کار دشواری نیست و می‌توان آنها را در تهران یا سایر شهرها به دام انداخت، اما هنوز به درستی معلوم نیست چرا آنها با رفت و آمد آزاد به کشور، دختران جوان را شکار کرده و به فساد می‌کشند؟

خبر حراج دختران ایرانی را ابتدا یک سازمان دولتی اعلام کرد که همزمان با آن، خبر کشف و نابودی سه باند قاچاق دختران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس به گوش رسید و مطبوعات کشور نیز اقدام به چاپ گزارش‌هایی در این باره کردند. پس از مدت کوتاهی یک مقام مسوول این خبر را سیاه‌نمایی و سوء استفاده خواند و افزود: اینگونه اخبار به باورهای مردم لطمه می‌زند. فعالیت‌های فسادآمیز به شکل سازمان یافته در کشورهای غیراسلامی به عنوان مختلف وجود دارد و ایران جز کشورهایی است که با این گونه پدیده‌ها به شکل اصولی برخورد می‌کند.

بازتاب منفی گزارش حراج دختران ایرانی در امارات به بالاترین مقامات رسمی کشور نیز کشیده شد، به طوری که رئیس جمهوری وقت با ابراز نگرانی از این مساله، آن را تکذیب کرد و گفت: پس از بررسی‌های گسترده مشخص شد که این خبر ناشی از جنگ روانی علیه حیثیت جامعه است، اما چند روز بعد رئیس همان سازمان دولتی خبر داد که به دستور رئیس جمهوری کمیته ویژه‌ای برای پیگیری ماجرا تشکیل شده است!

با وجود تکذیب‌های رسمی مقامات داخلی درباره حراج دختران در کشورهای عربی، این مساله هیچگاه از سوی کشورهای خلیج فارس تکذیب نشده و بسیاری معتقدند گسترش فقر، روز به روز ابعاد قاچاق دختران را پیچیده تر می‌کند.

جامعه‌شناسان می‌گویند: با افزایش شکاف طبقاتی و گسترش دامنه فقر، برخی از دختران جوان برای رسیدن به معیشت و آرزوهای خود تن به خودفروشی می‌دهند که برای این معضل اجتماعی باید چاره‌ای اندیشید. هر چند برخی از کارشناسان معتقدند بسیاری از این دختران با رضایت خود و خانواده‌هایشان به عنوان کار راهی کشورهای عربی می‌شوند، اما در آنجا با فریب خوردن از شبکه‌های قاچاق انسان، سرنجامی جز فساد و تباهی ندارند. بیکاری، فقر، عدم برنامه‌ریزی مناسب برای